

بسم الله الرحمن الرحيم

## گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار و لیبرال دموکراسی در عراق (۲۰۰۳-۲۰۱۰)

### چکیده

جامعه قومی - فرقه ای عراق، بعد از سقوط بغداد در سال ۲۰۰۳ صحنه رقابت و منازعه گفتمان های متعددی بوده است. با تأسیس کشور عراق در ۱۹۲۰، تثبیت هویت عراقی مهمترین مشکل این جامعه گردید که ورود ناسیونالیسم عربی اگر چه توانست تا حدی شکاف شیعه و سنی را بپوشاند اما باعث بحران هویت قوم کرد شد. وارد شدن سکولاریسم و سوسیالیسم به مفصل بندی گفتمان ناسیونالیسم عربی، باعث تشدید منازعه با گفتمان کرد و ظهور سه خرده گفتمان عرب سکولار (عمدتا سنی)، عرب سلفی، و عرب شیعی شد. با سقوط بغداد، نیروهای غربی تلاش کردند تا جای خالی گفتمان بعث را با گفتمان لیبرال دموکراسی پر کنند اما گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار آیت الله سیستانی با ورود به نظم گفتمانی، به منازعه با گفتمان لیبرال دموکراسی پرداخت. افزایش هژمونی گفتمان قومیت گرای کرد و گفتمان قبیله ای - فرقه ای اهل سنت و شیعیان، نه تنها باعث گسترش ناامنی و به حاشیه رانده شدن گفتمان لیبرال دموکراسی و گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار شده است بلکه ادامه چنین وضعیتی، سناریوهای نامطلوبی برای آینده سیاسی عراق اعم از افزایش مناطق فدرالی ناسازگار، جنگ داخلی، و تجزیه را رقم خواهد زد و هژمونیک ساختن اسلام سیاسی مردم سالار می تواند آرامش و ثبات را به این کشور برگردانده و ملت عراق را از بحران ملت - دولت سازی به سلامت عبور دهد، تلاشی که برای رسیدن به موفقیت می بایست راه درازی را پیماید.

پژوهش حاضر برای تبیین وضعیت حاضر از الگوی گفتمان و برای به تصویر کشاندن سناریوهای آینده عراق از روش آینده پژوهی بهره گرفته است.

کلید واژه ها: عراق، گفتمان، آینده پژوهی، اسلام سیاسی مردم سالار، آیت الله سیستانی

## مقدمه (طرح تحقیق)

### ۱. بیان مساله

جامعه عراق، جامعه ای با شکافهای عمیق قومی و فرقه ای است، جمعیت عراق طبق آمار اعلام شده توسط وزارت کشور عراق در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰، حدود ۳۲ میلیون و پانصد هزار نفر است که حدود ۹۸ درصد آنان مسلمان و ۲ درصد مسیحی، یهودی، صابئی، ایزدی (یزیدی) هستند. از زاویه ای دیگر، حدود ۶۳ درصد جمعیت این کشور، شیعه و حدود ۳۵ درصد سنی مذهب می باشند. از نظر قومی، ۱۵ درصد جمعیت عراق، کرد، ۳ درصد ترکمن، ۲ درصد آشوری و کلدانی و ۸۰ درصد عرب هستند. به عبارت دیگر، کردها حدود ۵ میلیون نفر، ترکمن ها ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفر و آشوری ها و کلدانی ها ۶۰۰ هزار نفر برآورد می شوند.

کشور عراق از بدو تأسیس در قرن بیستم، صحنه منازعات گفتمان های متعددی بوده است و سقوط صدام بر دامنه و فعالیت این منازعات گفتمانی افزود و در حال حاضر مهمترین رقبای گفتمانی این منازعه، گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار، لیبرال دموکراسی، ملی گرایی عراقی، قومیت گرایی کردها و فرقه گرایی اهل سنت است.

از آنجا که هژمونیک شدن هر گفتمانی مستلزم اقناع درونی اکثریت افراد جامعه می باشد هر یک از این گفتمان ها تلاش می کنند در مفصل بندی دال های گفتمانی، واژه «مردم» را در معنای مورد نظر خود به تثبیت برسانند، از این رو مدلی از دموکراسی که از یک طرف تامین کننده نظر رهبران در باره کیفیت نقش آفرینی مردم در نظام سیاسی باشد و از طرف دیگر با شرایط اجتماعی- سیاسی عراق سازگار بوده و مورد پذیرش مردم عراق واقع شود به امری مبهم تبدیل شده است که بررسی مدل های دموکراسی از جمله دموکراسی انجمنی، دموکراسی توده ای، دموکراسی نخبه گرای رقابتی، و شرایط حاضر عراق می تواند در رفع این ابهام کمک کند.

اسلام سیاسی اصطلاح نوینی است که تعاریف بسیار مختلفی در باره آن مطرح شده است. از دید رساله حاضر، اسلام سیاسی در بین مسلمانان، گفتمانی است که صورتبندی خاصی از جامعه و سیاست را با محوریت دال مرکزی اسلام ارائه می دهد و تلاش می کند اسلام را از منظر سیاسی مورد تاکید قرار داده و آن را از دایره صرفا مذهبی خارج سازد و در نهایت می خواهد اسلام را به دال برتر تمامی گفتمان های امت اسلامی تبدیل کند.

برآورد احتمال هژمونیک شدن هریک از گفتمان های رقیب در آینده، مستلزم بررسی مشکلات سیاسی- وضعیت اجتماعی فراروی این کشور است؛ رقابت های فرقه ای ، رقابت های قومی ، رقابت های احزاب و گروههای سیاسی با یکدیگر، اختلاف نظر در شیوه و محدوده بعثی زدایی، نحوه تقسیم درآمدهای نفتی، وضعیت آینده کرکوک، شیوه تحقق همزیستی مسالمت آمیز در شهر بزرگ بغداد که با حضور فرقه های شیعه و سنی و گروههای متخاصم و آشتی ناپذیر، یک چهارم جمعیت کشور را در خود جای داده است، هر کدام به نوبه خود بر هژمونیک شدن این گفتمان ها تأثیر می گذارند. از این رو ایجاب می کند که ظرفیت هر یک از گفتمان های رقیب در رفع این مشکلات سنجیده شود و به هر میزان که هر گفتمانی قادر به اقناع مردم در تثبیت نشانه های مفصل بندی شده در معانی مورد نظر خود باشد از اعتبار و هژمونی بیشتری برخوردار خواهد بود که برای نیل به این مقصود ضروری است که شکافهای قومی- فرقه ای عراق و حوزه های گفتمانگونی در هر یک از این لایه های اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲.سوالهای تحقیق

### ۲-۱ سوال اصلی

گفتمان های سیاسی رقیب در عراق پس از سقوط صدام کدامند، برای هژمونیک شدن چه کرده اند، مدل دمکراسی آنها چیست و به چه میزان شانس هژمونیک شدن در آینده عراق دارند؟

### ۲-۲ سوالات فرعی

گفتمان به عنوان روش تحلیل سیاسی از چه ویژگی هایی برخوردار است؟  
گفتمان های لیبرال دمکراسی و اسلام سیاسی مردم سالار چه ویژگی هایی دارند؟  
گفتمان های دخیل در تدوین قانون اساسی عراق و قوانین انتخاباتی این کشور کدامند؟  
خرده گفتمان اسلام سیاسی شیعی در عراق از چه ویژگی هایی برخوردار است؟  
خرده گفتمان اهل سنت عرب در عراق از چه ویژگی هایی برخوردار است؟

خرده گفتمان کرد در عراق از چه ویژگی هایی برخوردار است؟  
مهمترین چالش های گفتمانی عراق بعد از سقوط صدام چیست؟  
چه چشم اندازی در برابر منازعات گفتمانی در عراق قابل تصور است؟

### ۳. فرضیه تحقیق

تحقیق حاضر دارای یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی می باشد که عبارتند از:

#### ۳-۱ فرضیه اصلی

گفتمان های اسلام سیاسی مردم سالار و لیبرال دموکراسی دو گفتمان رقیب سیاسی در عراق پس از صدامند. گفتمان لیبرال دموکراسی، سکولاریسم و تساهل مذهبی را دال برتر گفتمان خود قرار داده و نشانه های رابطه دوستانه با امریکا، عدم خصومت با اسرائیل و اقتصاد بازار آزاد را در منظومه گفتمانی خود وارد ساخته است و از این رو به غیریت سازی با اسلام گرایان می پردازد. مدل دموکراسی نخبه گرایی قابلیت تبیین جایگاه مردم در این گفتمان را دارد. گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار (اعم از شیعه و سنی) در عراق، مبانی مشترک شیعه و اهل سنت در فقه سیاسی را، دال برتر خود قرار داده است و تلاش کرده است نشانه های امنیت، مشارکت تمامی اقوام، قبایل و مذاهب، پاسخگویی دولت، عدالت اقتصادی، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت و بعضی زدایی را در معانی مورد نظر خود به تثبیت برساند و سازگارترین مدل دموکراسی با مدلولات نشانه های مذکور در این گفتمان، دموکراسی انجمنی می باشد. اگرچه گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار از بین گفتمان های اسلام سیاسی در منازعه با گفتمان لیبرال دموکراسی از ظرفیت بیشتری برای هژمونیک شدن برخوردار است ولی تا زمانی که این گفتمان نتواند دال های قوم گرایانه و فرقه گرایانه را به حاشیه براند هژمونیک نخواهد شد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> منظور از تحریک شدن، آن است که این گفتمان غیرفعال در نظم گفتمانی سیاسی در رابطه ای غیریت سازانه با گفتمان حاکم قرار می گیرد و گفتمان حاکم سعی می کند با طرد آن، هویت پیدا کند. ایجاد رابطه خصمانه و برجسته تر شدن گفتمانی که با آن رابطه ای خصمانه برقرار می شود با هم رابطه ای مستقیم دارند. هرچه خصومت گفتمان حاکم با گفتمان رقیب بیشتر شود آن گفتمان برجسته تر و قوی تر می شود. با قوی تر شدن گفتمان رقیب، گفتمان حاکم مجبور به نشان دادن خصومت بیشتری می شود و این روند شاید، در نهایت به هژمونیک شدن گفتمان رقیب و فروپاشی گفتمان حاکم بینجامد. (نک: علی اسغر سلطانی، ۱۳۸۳: ۸)

### ۲-۳. فرضیه های فرعی

فرضیه های فرعی در راستای پاسخ به پرسش های فرعی می باشند و بر این اساس عبارتند از:  
۱-۲-۳. گفتمان لیبرال دموکراسی در کشور عراق، سکولاریسم و تساهل مذهبی را دال برتر گفتمان خود قرار داده و نشانه های رابطه دوستانه با امریکا، عدم خصومت با اسرائیل و اقتصاد بازار آزاد را در منظومه گفتمانی خود وارد ساخته است و از این رو به غیریت سازی با اسلام گرایان می پردازد. مدل دموکراسی نخبه گرایی قابلیت تبیین جایگاه مردم در این گفتمان را دارد.

۲-۲-۳. گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار (اعم از شیعه و سنی) در عراق، مبانی مشترک شیعه و اهل سنت در فقه سیاسی را، دال برتر خود قرار داده است و تلاش کرده است امنیت، نشانه های مشارکت تمامی اقوام، قبایل و مذاهب، پاسخگویی دولت، عدالت اقتصادی، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت و بعضی زدایی را در معانی مورد نظر خود به تثبیت برساند و سازگارترین مدل دموکراسی با مدلولات نشانه های مذکور در این گفتمان، دموکراسی انجمنی می باشد.

۳-۲-۳. گفتمان اسلام سلفی، اقتدار گرایی را در کانون گفتمان خود قرار داده و خصومت با شیعیان، ضدیت با جمهوری اسلامی ایران، و حمایت از القاعده مهمترین دال های این گفتمان می باشد و شدیداً مخالف دموکراسی است.

### ۴. کاربردهای تحقیق:

انجام موفقیت آمیز پژوهش حاضر می تواند از بعد علمی و عملی در موارد زیر، قابل بهره برداری باشد:

- ۱- شناختن عوامل مؤثر بر فضای گفتمانی عراق نوین
- ۲- امکان بررسی دال های جدید و فراهم ساختن زمینه های دسترسی و اعتبار آنها
- ۳- فراهم نمودن زمینه های هژمونیک ساختن گفتمان انقلاب اسلامی
- ۴- کسب آمادگی جهت مقابله با چالش های گفتمانی حاکم بر عراق

## ۵. پیشینه تحقیق

با توجه به این که سوال اصلی پژوهش پیرامون اسلام سیاسی مردم سالار و لیبرال دموکراسی در عراق پسا صدام می باشد پژوهشی که با رویکردی گفتمانی منازعات صحنه سیاسی عراق را در محدوده زمانی-مکانی و از زاویه مورد نظر تحقیق حاضر، بررسی کرده باشد تاکنون مشاهده نشده است؛ در عین حال باید گفت که پژوهش هایی که یا بخشی از موضوع فوق را بررسی کرده اند و یا دارای وجوه مشترک با این موضوع می باشند را می توان به طور کلی به دو دسته تقسیم کرد اول مطالعاتی که دال های گفتمان های اسلام سیاسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند، دوم مطالعاتی که در رابطه با عراق انجام شده است، که به صورت گذرا به این موارد اشاره می شود.

### اسلام سیاسی:

محققانی که به تبیین گفتمان اسلام سیاسی پرداخته اند به آثار و سخنان افراد نسبتاً یکسانی استناد کرده اند و در این زمینه می توان به آثار عبدالقیوم سجادی (سجادی: پایان نامه، ۱۳۸۵: ۶۵-۸۶)، غلامرضا بهروز لک (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۲۱-۵۷)، سید محمدعلی حسینی زاده (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷-۲۰) اشاره کرد. اسلام سیاسی در ادبیات مستشرقان و اندیشمندان مسلمان با مفاهیمی چون بنیادگرایی اسلامی، بیداری اسلام، رادیکالیسم اسلامی و اسلام گرایی همراه می باشد. اما اسلام سیاسی نشانه ای است که علی رغم وجود تشابه با مفاهیم یاد شده، از آنان متمایز می باشد. جهت گیری اسلام در حوزه سیاست و رویکرد سیاسی به تعالیم و آموزه های اسلامی وجه مشترک این خرده گفتمان ها است که زیر چتر گفتمان بزرگ اسلام سیاسی گردهم می نشینند.

نکته قابل توجه در تحقیقات اندیشمندان در زمینه اسلام سیاسی چارچوب های تئوریک مختلفی است که جهت تبیین عوامل ظهور اسلام گرایی (گفتمان اسلام سیاسی) بکار برده اند. در این میان می توان به کار هرایر دکمجان، اولیویه روا، هشام شرابی، کاستلز و بابی سعید اشاره کرد. دکمجان شکل گیری گفتمان اسلام گرایی در جوامع اسلامی را با بحران های پیش روی جامعه اسلامی توضیح می دهد (دکمجان، ۱۳۷۷: ۳۱) در این دیدگاه کشاکش اصلی میان دین و دولت معلول انزوا و در خود فرورفتگی تحمیل شده بر مسیحیت در جوامع غربی است (دکمجان، همان: ۲۳) کار دکمجان تا آنجا که به تحلیل و تبیین عوامل و ریشه های ظهور گفتمان اسلام گرایی می پردازد حایز اهمیت است، اما وی در حوزه تعامل این گفتمان با گفتمان های غربی وارد نمی شود. در سوی دیگر و از منظر متفاوت بررسی اولیویه روا است که تجربه اسلام سیاسی را در چارچوب نظریه مدرنیزاسیون به بحث

می‌گذارد. در تحلیل روآ ظهور اسلام‌گرایی در خاورمیانه محصول بحران اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها در اثر ازدیاد جمعیت، روند رو به افزایش شهرنشینی و عوامل دیگری می‌باشد. ناراضیان تحصیل کرده در واکنش به این بحران با ایدئولوژیک نمودن اسلام شرایط ایده انقلاب و زمینه ایجاد دولت مقتدر مرکزی را مطرح می‌کنند (روآ، ۱۳۷۸: ۵۹). به نظر روآ اسلام‌گرایان سیاسی در یافتن بدیل مناسب برای تجدد غربی با استناد به شریعت اسلامی ناکام می‌مانند و ناخواسته راه سکولاریزاسیون و غیر مذهبی سازی جامعه را در پیش می‌گیرند، زیرا مسیر آنان بر سیاست مطلق می‌انجامد (روآ، همان: ۱۱۲) روآ در اینجا فرضیه شکست اسلام سیاسی را مطرح می‌کند. هشام شرابی با تمرکز بر پدیده بنیادگرایی در جهان عرب، این پدیده را در چارچوب پدرسالاری جدید توضیح می‌دهد. به نظر وی پدرسالاری جهان عرب از نوع جدیدی است که ترکیبی از پدرسالاری سنتی و نوسازی وابسته است. (شرابی، ۱۳۸۰: ۲۸) در تحلیل شرابی ظهور بنیادگرایی اسلامی نتیجه تحولات اجتماعی جامعه پدرسالار جدید است. بابت سعید ضمن نقد روش شرق شناسی ادوارد سعید، مطالعه گفتمان اسلام سیاسی و تعامل آن با غرب را در چارچوب نظریه گفتمانی لاکلا و موفه دنبال می‌کند. به نظر سعید اسلام سیاسی در تخاصم با مدرنیسم غربی ناگزیر از گزینش و انتخاب می‌باشد. در چنین حالتی نزاع میان گفتمان‌های رقیب در می‌گیرد. بازنمایی هویت مدرن در جهان اسلام در چهره گفتمان کمالیسم ظهور یافت، کمالیسم متأثر از مدرنیسم غربی تلقی و تفسیر سیاسی از اسلام را سرکوب نموده و به حاشیه می‌راند. اما بگفته سعید گفتمان اسلام سیاسی بدلیل برخورداری از اعتبار و قابلیت دسترسی توانست مجدداً خود را مسلط سازد، زیرا دیگر بدیل‌های اسلام سیاسی نظیر جریان‌ات سوسیالیستی و لیبرالیستی فاقد ویژگی‌های مزبور بودند. بنابراین گفتمان اسلام سیاسی واکنش روساختی به بحران ساختی جهان اسلام بود؛ این واکنش با شکست گفتمان‌های رقیب کمالیسم، ناسیونالیسم، سوسیالیسم و دیگر ایسم‌ها صدرنشین شد.

## عراق:

موضوع پژوهشها و مطالعات در باره عراق چه در محافل علمی داخل ایران و چه خارج از ایران، عمدتاً تابعی از تحولات آن کشور بوده است و در هر مقطع زمانی به بررسی مباحثی پرداخته اند که در آن زمان مهمترین مساله مبتلا به کشور عراق محسوب می‌شده است. در بررسی به عمل آمده مشاهده شد اولین پژوهشهایی که به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد در سازمان اسناد و مدارک علمی ایران در باره بررسی تحولات عراق از زمان حکومت صدام، به ثبت رسیده است مربوط به

سال ۱۳۷۰ به بعد می باشد. تحقیقات فارسی و انگلیسی پیرامون عراق از بررسی گروه ها ، احزاب مخالف حکومت صدام شروع شده و به تدریج به بررسی رفتارهای دولت صدام حسین در صحنه منطقه ای و جهانی روی آورده است. بعد از حمله صدام به کویت در سال ۱۹۹۱ و قیام ناموفق شیعیان و کردها بر علیه صدام ، نقطه تاکید تحقیقات به عمل آمده در زمینه بررسی نقش اکراد و شیعیان در جامعه عراق بوده و تلاش کرده اند علل عدم مشارکت آنان در روند تحولات داخلی عراق را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تاثیرات جنبش اکراد بر امنیت ایران را نیز بررسی کنند. از دیگر پژوهشهایی که در سالیان اخیر در باره عراق می توان یافت مواردی است که از نقش کشورهای غربی و بالاخص امریکا بحث می کند که چگونه به منطقه خلیج فارس وارد شده و با اشغال عراق، جریانات سیاسی و مذهبی عراق و تحولات آینده آن کشور را به سمت اتخاذ مواضع معینی سوق داده است.

منوچهر قربانی کشکی که در ۱۳۷۱ از پایان نامه خود تحت عنوان «جنبش های اسلامی در عراق از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸» دفاع می کند به نحوی گزارش گونه از گروهها و احزاب عراقی فعال نام می برد.

در همین سال عدنان قارونی موضوع «روند شکل گیری جنبشهای سیاسی کردستان عراق» را مورد مطالعه قرار داده است؛ وی ابتدا به سابقه فعالیت سیاسی اکراد از زمان جداشدن عراق از امپراطوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول اشاره کرده و متذکر شده است که وسعت و تنوع حرکتها و تشکلات سیاسی کردی گوی سبقت را از سایرین ربوده و تا آن زمان بیش از سی طرح و فرمول سیاسی برای اداره کردستان از سوی حکومتهای پادشاهی و سپس جمهوری عراق و دولت قیم انگلستان و شخصیتها و احزاب کرد چپ گرا ، راست گرا و اسلامی عرضه شده است. وی در ادامه به طرح برژینسکی در سال ۱۹۹۱ اشاره کرده که «بهترین راه حل قضیه کردها نوعی خودمختاری در داخل عراق است که ایران و ترکیه باید از آن نسخه برداری کنند». این پژوهش سابقه ارتباطات اکراد با کانونهای قدرت داخلی و خارجی را مرور کرده و در نهایت اساسنامه ، تشکیلات، ایدئولوژی و ائتلافهای احزاب سیاسی کردی عراق را بررسی می کند.

در سال ۱۳۷۷ سید راضی امیری تهرانی «علل حاشیه ای شدن شیعیان در ساختار سیاسی عراق» را مورد مطالعه قرار داده است. وی در فرضیه اصلی وی بیان می کند که « حاشیه نشین شده شیعیان عراق از جوانب داخلی و خارجی متعددی برخوردار است». در بخش داخلی ، فرهنگ سیاسی شیعیان



عراق و نوع نگرش آنان به سیاست و حکومت، فرهنگ سیاسی اجتماعی نخبگان فکری و علمای شیعه عراق و عملکرد دولتهای معاصر عراق و زمامداران و رهبران سیاسی این کشور را مطرح نموده و در حوزه علل و عوامل خارجی به نقش کشورهای غربی و جریانات فکری مانند ناسیونالیسم عربی پرداخته است.

کریم امینی در سال ۱۳۸۱ «جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی عراق و پیش بینی جایگاه آنان در آینده سیاسی این کشور» را بررسی کرده است. دامنه این تحقیق محدود به جامعه شیعیان می باشد و بررسی تاریخ کشور عراق، گروههای شیعی معارض رژیم صدام و ساختار سیاسی کشور عراق از دیگر جنبه های این پژوهش است.

«نهادهای شیعیان و آینده عراق» عنوان پایان نامه ای است که در سال ۱۳۸۴ حسن رویوران از آن دفاع کرده است. همانطور که عنوان پایان نامه نشان می دهد قسمت عمده این پایان نامه به بررسی تاریخچه ۳۱ سازمان، حزب و گروهی شیعه اختصاص یافته است که از حکومت پادشاهی عراق تا زمان پایان نامه در این کشور فعالیت داشته اند. البته در این پایان نامه موضوع کردها و آینده عراق نیز مختصراً بررسی شده است.

بخشی دیگری از تحقیقاتی که در حوزه عراق انجام شده است تاثیرات کردها و شیعیان بر امنیت ایران و عراق را مطالعه کرده است. ذبیح الله مهری پور در سال ۱۳۷۹ مساله «تحولات شمال عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران» را به عنوان موضوع پایان نامه خود انتخاب کرده است. محور اصلی این مقاله تشریح مفهوم امنیت ملی و ارتباط آن با مسایل روابط خارجی است و در این زمینه بررسی تحولات مناطق کردنشین ایران و عراق حوزه تطبیق مباحث نظری وی را تشکیل می دهد.

محمد خضر زاده تحت عنوان «بررسی راهکارهای عملی مقابله با نگرانی های امنیت ملی در جوامع چند قومیتی» کشور عراق را به عنوان مورد مطالعاتی خود انتخاب کرده و در سال ۱۳۸۱ به دفاع از آن پرداخته است. او ناسیونالیسم را به دو نوع کلاسیک نابردبار و مدرن متضمن پلورالیسم فرهنگی تقسیم می کند. ناسیونالیسم کلاسیک در برابر اقلیتهای قومی نابردبار است و در طول تاریخ عامل سرکوب آنان بوده است ولی ناسیونالیسم مدرن می پذیرد که جامعه آزاد و با ثبات را می توان بر مبنای یک پلورالیسم فرهنگی در یک دولت چند ملیتی مبتنی بر دموکراسی و سازگاری بنا کرد. خضر زاده نتیجه این ناسیونالیسم را ایجاد یک دولت ملی می داند که برای حل مسائل قومیتهای داخل کشور به راه حل های دموکراتیک و انسانی تری متوسل می شود و این راهکارها را متشکل از

پلورالیسم فرهنگی، دموکراسی اجتماعی، سیاستهای اقدام مثبت و خودمختاری بیان می کند و مطالعه موردی عراق موید فرضیه خود اعلام می کند.

محمد رضا عبدالله پور در سال ۱۳۸۵ «بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاستگذاریهای امنیتی ایران در قبال عراق» را مهمترین مساله مورد مطالعه تشخیص داده است، و در نهایت بیان کرده است که همکاری میان دوبخش شیعی و کردی عراق، بر سیاستگذاریهای امنیتی ایران تاثیر گذار می باشد.

ایوب حسینی نیز در پایان نامه اش که در سال ۱۳۸۵ به ثبت سازمان اسناد و مدارک علمی ایران رسیده است «جنبشهای مذهبی در کردستان عراق» را بررسی کرده است. وی پژوهش خود را بر اساس تئوری بحران پی گرفته است و بر این اساس به رابطه ای دیالکتیکی بین محیط بحرانی و رستاخیز اسلامی قائل شده است و جهت دستیابی به نظریه ای جامع در مورد فرآیند شکل گیری جنبش ها تلاش کرده است تا زمینه های پدید آمدن جنبش های اسلام گرا از منظر جهانی، منطقه ای و داخلی را بررسی کند. جنبش اسلامی در کردستان عراق در ابتدا به عنوان جریان مسلط اسلام گرایی وارد صحنه مبارزات سیاسی شد اما گرایش این جنبش به سوی اقدامات خشونت بار باعث شد که به حاشیه رانده شده و در دهه ۹۰ اتحاد اسلام به عنوان جریان مسلط رشد کند. وی نتیجه می گیرد که علاوه بر این که طرح شکل گیری جنبش ها و فعالیت های اسلام گرایانه در باورهای دینی رهبران وجود داشته، وجود بحرانهای متعدد و فراگیر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تحولات گسترده در منطقه باعث شد که این جنبشها شکل بگیرند.

نقش کشورهای غربی و بالخصوص امریکا در عراق و منطقه، موضوع چندین پایان نامه بوده است. در سال ۱۳۸۲ شهربانو علیدادی به بررسی «عوامل موثر در دگرگونی سیاست امریکا در برخورد با عراق در بحران کویت (۱۹۹۱) و جنگ براندازی رژیم عراق (۲۰۰۳)» پرداخته است. او نتیجه می گیرد که شکست سیاست مهار دوگانه در دهه ۱۹۹۰ و ظهور نومحافظه کاری در امریکا باعث شد که مفهوم «تهدید امنیتی» مورد بازنگری واقع شده و بر اساس آن عراق تهدید جدی و غیر قابل اغماض برای امریکا تلقی گردید و منجر به حمله امریکا به آن کشور شد.

«روی کارآمدن نومحافظه کاران در امریکا و کارکرد نظام امنیت دسته جمعی ملل متحد در جنگ عراق (۲۰۰۳)» موضوع پژوهش روح الله طالبی آرانی در سال ۱۳۸۶ می باشد. وی نتیجه می گیرد که بروز دگرگونی بنیادین در سیاست خارجی ایالات متحده در دوران نومحافظه کاران به وضعیتی انجامید که نظام امنیت دسته جمعی ملل متحد نتوانست موثر افتد و در نتیجه آشکار گردید که نظام

امنیت دسته جمعی کلاسیک (مبتنی بر موازنه قدرت) به نظام امنیت دسته جمعی منظومه ای تغییر ماهیت داده است.

سید محمد فرزندان زاده علمی به بررسی «بحران کویت و هژمونی امریکا در منطقه خلیج فارس» پرداخته است. وی در این رساله بیان می کند که اشغال کویت توسط صدام فرصت مناسبی را برای امریکا فراهم ساخت تا ایالات متحده تئوری نظم نوین جهانی خویش را دیکته کرده و حضور و سلطه خود بر خلیج فارس را توسعه دهد. بدین ترتیب ضمن آزاد سازی کویت با عقد قراردادهای نظامی برای اولین بار به تاسیس پایگاههای نظامی در منطقه پرداخت.

در همین زمینه داود اسحاقی در سال ۱۳۸۳ مساله «حمله امریکا به عراق و تثبیت نظام هژمونیک جهانی» را به عنوان موضوع پایان نامه خود انتخاب کرده است. او در بیان فرضیه اصلی پایان نامه خود عنوان می کند که «پس از فروپاشی نظام دوقطبی یک خلاء ساختاری در نظام بین المللی پدید آمده که ایالات متحده برای استفاده از این فرصت تاریخی، با دست زدن به اقداماتی نظیر حمله به افغانستان و عراق، نه تنها از شکل گیری یک ساختار چندقطبی جلوگیری نموده است بلکه نظام مورد دلخواه خود را که همانا نظام هژمونیک می باشد تثبیت و تحکیم می نماید.»

از دیگر پایان نامه هایی که تا حدی موضوع دموکراسی در عراق را مورد بررسی مختصر قرار داده است پایان نامه حسن بایزیدی در سال ۱۳۸۶ تحت عنوان «تمامیت ارضی عراق: فرصت ها و چالش ها» می باشد. وی بیان داشته است که عراق کشوری مصنوعی بوده و ضعف هویت ملی، وجود تمایلات متناقض و شکافهای قومی- مذهبی مابین شیعیان، کردها و اهل سنت، تثبیت دموکراسی اکثریتی و حکومت متمرکز در عراق را تقریباً غیرممکن ساخته است. از طرف دیگر تجزیه عراق نه تنها منافع کشورهای همجوار و دیگر کشورهای منطقه را به خطر می اندازد بلکه با شکل گیری حکومتی اسلام گرا در جنوب، در تعارض مستقیم با طرح های امریکا در زمینه خاور میانه دارد. وی نتیجه می گیرد که فدرالیسم که برآیندی از منافع بازیگران داخلی و خارجی و راه حل میانه ای ما بین تجزیه و بازگشت یک سیستم تک ساخت دولتی است، مناسب ترین راهکار برای حل مساله قومیتها در عراق محسوب می شود.

اگرچه مطالعات بسیار فراوانی در باره عراق به زبان انگلیسی منتشر شده است اما تاکنون هیچ موردی که به بررسی موضوع پایان نامه حاضر با ویژگی های مورد نظر، پرداخته باشد مشاهده نشده است؛ مهمترین ویژگی آثار منتشره، توجه به عراق با معانی رسوب شده دال ها در گفتمان لیبرال

دموکراسی جهان غرب است؛ از جمله تحقیقاتی که توسط محققین غربی در حوزه عراق نوشته شده است می توان به اثر لیام آندرسن<sup>۱</sup> و گارت استانسفیلد<sup>۲</sup> تحت عنوان «آینده عراق؛ دیکتاتوری، دموکراسی یا تجزیه؟»<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد که در این کتاب ابعاد آینده عراق را مورد مطالعه قرار داده اند. محورهای اصلی بحث این کتاب بررسی زمینه های دیکتاتوری، دموکراسی و یا تجزیه عراق است گزارش ۸۰ صفحه ای جیمز ای. بیکر و لی اچ. همیلتن در سال ۲۰۰۶، نتیجه بررسی های گروه زیادی از کارشناسان امریکایی است. این گزارش در ابتدا اوضاع سیاسی، امنیتی و اقتصادی عراق را مورد ارزیابی قرار داده است و راههای خروج امریکا از بحران را با سه گزینه عقب نشینی از عراق، ماندن در عراق و یا افزایش نیروها را بررسی کرده است و در نهایت دخالت دادن دیگر کشورها منجمله ایران و سوریه را در حل این مساله پیشنهاد می کند. مقالات و مصاحبه های پراکنده ای مانند سوزان سنچز یا نوام چامسکی به زبان انگلیسی در باره عراق وجود دارد که بعضا با دیدگاهی نئومارکسیستی به مساله نگاهی گذرا داشته است. ولی تاکنون مقاله ای که به بررسی دقیق این مساله پرداخته باشد مشاهده نشده است.

## ۶. ضرورت تحقیق

الف: ضرورت بررسی تأثیرات متقابل ایران و عراق بر یکدیگر

مجاورت عراق با ایران و تأثیرات متقابل این دو کشور بر یکدیگر از جمله عواملی است که تبیین وضعیت حاضر عراق و پیش بینی آینده منازعات گفتمانی این کشور را برای محققین ایرانی لازم و ضروری می سازد تا روند تأثیرات نظام جمهوری اسلامی ایران بر تحولات عراق به ویژه بعد از سقوط صدام مشخص شده و امکان بازنگری و بهبود آنها فراهم شود.

ب: ضرورت بررسی رقابت جمهوری اسلامی ایران با امریکا در هژمونیک ساختن گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار و به حاشیه راندن گفتمان لیبرال دموکراسی در عراق و کشورهای اسلامی منطقه از آنجا که امریکا در رقابت با جمهوری اسلامی ایران به دنبال تحکیم گفتمان لیبرال دموکراسی در عراق بوده است و از طرف دیگر ایران با حمایت از اسلام گرایان تلاش کرده است

<sup>۱</sup> Liam Anderson

<sup>۲</sup> Gareth Stansfield

<sup>۳</sup> The future of Iraq; Dictatorship, Democracy, or Division?

گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار در عراق هژمونیک شود؛ بررسی روند این منازعه گفتمانی می تواند راهگشای رویکردهای گفتمانی جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورهای اسلامی منطقه باشد.

با توجه به مطالعات مذکور مشاهده می شود که ضروری است موضوع عراق فراتر از بررسی سازمانی احزاب و گروهها بررسی شود. الگوی گفتمان هم از بعد فهم پدیده ها و هم از بعد جریان شناسی قادر به کشف معانی هژمونیک شده در فضای جامعه است و از این طریق می تواند به ورای رفتارهای مردم راه پیدا کرده و نحوه رسوخ به اندیشه ها و باورهای مردم را موشکافی کند و به عبارت دیگر قادر است نحوه مقبول جلوه کردن مفاهیم مورد نظر را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. علیرغم ظهور ناسیونالیسم، سوسیالیسم و کمونیسم در فضای گفتمانی عراق، گفتمان آیت الله سید محمدباقر صدر و گفتمان آیت الله سیستانی دارای ظرفیت بالقوه ای در اعتبار و دسترسی نزد تمامی مسلمانان اعم از شیعه و سنی برخوردار است و از پتانسیل بیشتری در هژمونیک شدن برخوردار است؛ روشن ساختن ابعاد این موضوع می تواند باعث مطرح شدن دیگر حوزه های مرتبط با اندیشه سیاسی در این زمینه شده و بر غنای اندیشه اسلام سیاسی مردم سالار بیفزاید.

## ۷. روش گرد آوری اطلاعات در تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش تحلیلی توصیفی است.

با توجه به این که روش توصیفی (به معنای اعم) در مقابل روش هنجاری قرار می گیرد و این روش، خود به سه قسم تقسیم می شود که عبارتند از: ۱- گزارش یا توصیف به معنای اخص ۲- تحلیل ۳- نقد

این تحقیق روش توصیف به معنای اخص را مد نظر خود قرارداد است.

در روش توصیفی به معنای اخص، محقق تلاش می کند تا مجموعه آرا و نظریات متفکرین را مطرح نماید و از آنجا که خود نیز بر دو دسته تعلیلی و مشاهداتی<sup>۱</sup> تقسیم می شود قسم اول مبنای این پژوهش خواهد بود که در قلمرو آن، تحلیل بکار گرفته خواهد شد.

---

<sup>۱</sup> Causal Descriptopn&Explanation

در تحلیل<sup>۱</sup> درست و غلط بودن، ملاک و مقصد نیست و محقق دو مساله را مد نظر خود قرار می دهد که عبارتند از:

الف- استکشاف همه پیش فرض های یک رای و نظر

ب- بیان آثار و نتایج مترتب بر یک رای

روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر عمدتاً به صورت اسنادی بوده است و آثار مکتوب و پایگاه های اطلاعاتی اینترنتی مورد استفاده قرار گرفته است ولی برای ارزیابی مندرجات این منابع و روزآمد ساختن اطلاعات مزبور، از روش مصاحبه استفاده شده است. مراجعه به دفتر آیت الله سیستانی در قم و مصاحبه با آیت الله قاضی از بستگان ایشان، مصاحبه با شریف عسکری ( از بستگان مرحوم علامه مرتضی عسکری)، ارتباط آنلاین با نمایندگان استانهای مختلف عراق، سفر به عراق و مصاحبه با مردم شهرهای کربلا و نجف اطلاعات بسیار ارزشمندی را در اختیار محقق قرار داد. سفر به مکه و مدینه در ضمن مراسم حج عمره، فرصت بسیار گرانبهایی را فراهم ساخت تا امکان مصاحبه با مردم استانهای مختلف عراق از شمال تا جنوب فراهم گردد و جو اجتماعی-سیاسی مورد مطالعه دقیق تری قرار گیرد.

#### ۸. محدوده تحقیق

محدوده مکانی این پژوهش کشور عراق و محدوده زمانی آن از سقوط بغداد در سال ۲۰۰۳ تا پایان سال ۲۰۱۰ بوده است. البته تبارشناسی موضوع اقتضاء کرده است که از زمان جدا شدن عراق از کشور عثمانی در سال ۱۹۲۰ تا سرنگونی رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، تحولات سیاسی و گفتمانی عراق به طور فشرده بررسی شود.

#### ۹. چارچوب نظری تحقیق

از میان رهیافت های مختلف در تبیین موضوع حاضر، رهیافت گفتمانی ظرفیت و توانمندی مناسبی را جهت توصیف و تبیین اسلام گرایی در اختیار محقق می گذارد، نظریه گفتمان، اسلام گرایی را بعنوان یک گفتمان در همنشینی و تعارض با گفتمان غرب مطرح می کند. در این تلقی آنچه با عنوان

---

<sup>۱</sup> Analysis

اسلام گرایی مطرح می‌شود، فرایند هویت سازی است که جامعه اسلامی در مواجهه با دیگران<sup>۱</sup>، مرزهای آن را ترسیم می‌کنند. از سوی دیگر در این نظریه تنوع و تکثر درونی اسلام سیاسی را با ارجاع به یک دال مرکزی مشترک می‌توان به وحدت رساند. نکته دیگر آنکه نظریه گفتمان ثبات و تغییر در ماهیت گفتمان اسلام سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهد و این امر ما را قادر می‌سازد تا پویایی و تحول گفتمان اسلام سیاسی و فرایند این تحول را توضیح دهیم.

با توجه به این که مفصل بندی از مبانی اصلی در نظریه گفتمان است، در این مفصل بندی نشانه‌هایی استخدام می‌شود که از یکسو گفتمان مسلط آن را وارد صورت بندی حیات سیاسی و نظام بین‌المللی می‌سازد و از سوی دیگر این نشانه‌ها تحت پوشش نقاط گیره‌ای و با ارجاع به دال‌های نسبتاً ثابت در گفتمان اسلام سیاسی معنا می‌یابند.

#### ۱۰. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: روش گفتمان و آینده پژوهی

در پژوهش حاضر برای تبیین حاضر و بررسی آینده از دو روش استفاده شده است؛ روش گفتمان در حوزه تبیین واقع، و روش روند شناسی و آینده پژوهی برای بررسی احتمال‌های در پیش رو، به کار گرفته شده است. از آنجا که آینده پژوهی از دهه ۱۹۶۰ به عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم پایه ریزی شد و از سال ۱۹۷۴ در حوزه تحقیقات علوم سیاسی در دانشگاه هاوایی بکار گرفته شده است و خود در بردارنده ۱۲ روش مختلف می‌باشد، در پژوهش حاضر از روش سناریو پردازی<sup>۲</sup> استفاده شده است.

#### ۱۱. سازماندهی تحقیق

مطالب پژوهش حاضر در پاسخ به سوال اصلی و سوال‌های فرعی و آزمودن فرضیه‌های تحقیق، سازماندهی شده است و شامل یک مقدمه و هشت فصل می‌باشد. مقدمه با بررسی اهمیت موضوع و بررسی پیشینه تحقیق، ضرورت انجام مطالعه را در این مسیر بیان می‌دارد. فصل اول مباحث نظری و روش تحقیق را توضیح می‌دهد. از آنجا که الگوی گفتمان برپایه اصطلاحات و مفاهیم متعددی استوار شده است تا حد توان پژوهشگر سعی شده است ضمن رعایت ایجاز، مهمترین موارد آن ذکر

---

<sup>۱</sup> Others

<sup>۲</sup> Scenario

گردد و از بین رویکردهای چهارگانه گفتمانی دو رویکرد مورد استفاده در پایان نامه ؛ رویکرد جریان محور لاکلاو و موفه و رویکرد متن محور فرکلاف، توضیح داده شده است. تحقیق حاضر تلاش کرده است که بتواند در رابطه با وضعیت آینده عراق پیش بینی نماید و این هدف خارج از ظرفیت الگوی گفتمان می باشد و نیل به چنین هدفی استفاده از روش آینده پژوهی را ضروری می سازد که روش سناریو پردازی در این مسیر به کار گرفته شده است.

فصل دوم به تبیین دموکراسی، مدل های دموکراسی و نشانه های اسلام سیاسی پرداخته است. فصل سوم تلاش کرده است تا با رویکردی تبارشناسانه، مشخص سازد که ساز و کار تدوین قوانین اساسی این کشور برای وارد ساختن چه نشانه هایی در قانون اساسی بوده است و کانون های قدرت، این نشانه ها را در چه معنایی تثبیت کرده اند. در این فصل با استناد به آراء انتخاباتی سعی گردیده است میزان تاثیر دال های کانونی گفتمان ها ارزیابی شود.

فصول چهارم، پنجم و ششم به تبارشناسی و جریان شناسی گفتمان های شیعی، گفتمان اهل سنت عرب و گفتمان کرد پرداخته است و در بررسی قانون اساسی عراق و قانون اساسی اقلیم کردستان از رویکرد متن گرایانه الگوی گفتمان بهره گرفته شده است.

فصل هفتم چالش های فراروی عراق را بررسی کرده است و بر اساس آن تلاش کرده است آینده گفتمان های فعال در صحنه سیاسی عراق را تجزیه و تحلیل نماید و وضعیت سیاسی عراق را در سه سناریوی سیستم سیاسی بسیط، فدرالیسم و تجزیه عراق مورد مطالعه قرار دهد.

آخرین فصل این پایان نامه را نتیجه گیری تشکیل می دهد که خلاصه پاسخ به سوالات و میزان صحت و سقم فرضیه های این پژوهش می باشد.



## فصل اول : مباحث نظری (نظریه گفتمان و آینده پژوهی)

### مقدمه

هر پژوهشی مستلزم داشتن چارچوبی نظری است که بر اساس آن بتواند وقایع موضوع تحقیق را شناسایی کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، و در مرحله بعد به روشی جهت مرتبط ساختن وقایع و پدیده ها با یکدیگر نیاز دارد. پژوهشگر با تبیین چارچوب نظری و روش پژوهش، به مخاطب یاد آور شود که الفاظ به کارگرفته شده در حوزه مورد مطالعه، بر چه معناهایی دلالت دارند. الگوی تحلیل گفتمان در بردارنده چارچوب نظری و روش تجزیه و تحلیل است که پایان نامه حاضر تلاش کرده است از این الگوی بهره بگیرد. این فصل ویژگیهای الگوی تحلیل گفتمان را بررسی کرده و قابلیت ها و محدودیتهای این الگو در حوزه مباحث اسلامی و از جمله پایان نامه حاضر را توضیح می دهد و در نهایت مدلی از الگوی گفتمان را که با مباحث اسلامی همخوانی داشته باشد ارائه می دهد.

از آنجا که فصل هفتم بر اساس آینده پژوهی و روش سناریو پردازی استوار شده است در فصل حاضر به اختصار، آینده پژوهی و ویژگیهای سناریو نویسی نیز مورد بررسی قرار می گیرد.

### ۱-۱. قسمت اول: الگوی گفتمان

#### ۱-۱-۱. ویژگی و هدف تحلیل گفتمان

علت ظهور نظریه گفتمان وجود ضعفهای پارادایمی در تحقیقات علوم اجتماعی بوده است. نظریه گفتمان با بررسی و نقد تئوریهای مارکسیستی، پساساختارگرایانه، فراتحلیلی و روانشناسانه تلاش کرده است تا به الگویی دست پیدا کند که فارغ از ضعفهای آنها باشد؛ نقدهای وارده بر پارادایم های پوزیتویستها، رفتارگرایان و ذات گرایان را مد نظر قرار می دهد و در صدد است تا در سطح تئوریک محدود نشده و از پرداختن به اهمیت مساله روش و هستی شناسی غفلت نکند، بلکه تلاش می کند تا نقاط تقارب و همگرایی این رویکردها را یافته و تبیین هایی قابل استماع و از بعد تجربی قابل توجیه را در باره جهان سیاسی و اجتماعی، پیدا کند. این رویکرد جدید، ابعادی را در تجزیه و تحلیل موضوعات کلیدی سیاسی جهان معاصر مورد بررسی قرار می دهد که در دیگر رویکردها مورد غفلت قرار گرفته اند. (هوارث و دیگران، ۲۰۰۰: ۱)<sup>۱</sup> توجه به شکل گیری هویت، انفجار هویت‌های

<sup>۱</sup> David R. Howarth (and Aletta J. Norval & Yannis Stavrakakis)

ملی و قومی، ظهور جنبش های جدید اجتماعی و منطق این جنبشها، ظهور و فروپاشی اسطوره های سیاسی و انگاره های جمعی، تولید ایدئولوژیهای بدیع، و تعیین ساختارهای جوامع بر اساس انگاره های اجتماعی، اهداف اساسی نظریه گفتمان می باشد. (همان)

هدف از تحلیل گفتمانی، روایت صرف رویدادهای تاریخی نیست، بلکه تلاش می شود تا رویدادهای تاریخی و تحولات اجتماعی، در سایه تحولات معنایی بررسی گردد. در این شیوه از تحلیل، عمل اجتماعی با معنا پیوند خورده است و زمانی می توان رویدادهای اجتماعی را بررسی کرد که نظام معنایی حاکم بر تحولات تبیین شده باشد.

بر اساس نظریه گفتمان، تمامی تحولات اجتماعی حاصل منازعات معنایی میان گفتمانهاست و هر گفتمانی همواره در تلاش برای حفظ معنای «خودی» و طرد معنای «دیگری» می باشد. اهمیت معنا در نظریه گفتمان از آن روست که تنها از طریق استیلای معنایی ذهن سوژههاست که چهره قدرت، طبیعی و مطابق با عقل سلیم جلوه می کند و به همین دلیل، مورد مواخذه قرار نمی گیرد؛ از این رو سلطه معنایی بر افکار عمومی، بهترین و مؤثرترین شیوه اعمال قدرت است. بر این اساس، گفتمانها همواره به واسطه سازوکارهای معنایی بر سر تصاحب افکار عمومی با هم در حال رقابتند و بقیه تحولات اجتماعی تابع منازعات معنایی هستند. اگر کانون تحلیل های گفتمانی را تاکید بر سیال و متحول بودن گفتمانها بدانیم، متفکران مسلمان شیعی، مبانی معرفتی خاصی را در پرتو اجتهاد شیعی پذیرفته اند که امکان تغییر و دگرگونی در تفکر سیاسی را نهادینه می سازند و از این حیث امکان مقایسه و الهام گیری از ایده های تحلیل گفتمان را بدون نیاز به پذیرش مبانی آن فراهم می سازد (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۷۸) و با توجه به ظرفیت های تحول و دگرگونی تفکر اسلام گرایی، می توان کاربرد تحلیل گفتمانی را در بررسی مباحث آن توضیح داد. به بیان روشنتر باید گفت که هدف از بکارگیری تحلیل گفتمان در این پایان نامه، تحلیل تحولات سیاسی - اجتماعی در سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ کشور عراق است که در نتیجه آن بتوان با شناسایی نقاط مهم تاریخی، مفصل بندی گفتمان های مذکور را مشخص کرده و با هم مقایسه نمود و روندی که برای هژمونیک شدن دنبال می کنند را کشف کرد. بر اساس چنین تجزیه و تحلیلی است که می توان از میزان احتمال هژمونیک شدن آن در زمان های آینده سخن به میان آورد. در این پژوهش در حد ضرورت از تبارشناسی بهره گرفته خواهد شد تا منشأ شکل گیری یک گفتمان و تحولات بعدی آن، تا زمان حال و تعاملات و تأثیرات

دیگر گفتمان‌های حاضر در صحنه اجتماع بر روند تحول موضوع مورد مطالعه، تحت بررسی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

## ۱-۲-۱. سابقه شکل‌گیری نظریه‌های گفتمان

نظریه‌های گفتمان در دو حوزه زبان‌شناسی و حوزه فلسفه، علوم اجتماعی و تاریخی مطرح شد و در چند مرحله تحول و گسترش یافت (نک: کریستوفر هارت و دومینک لوکس، ۲۰۰۷).<sup>۲</sup> مرحله اول چنین تحولی در حوزه زبان‌شناسی و در سال ۱۹۵۰ شروع شد و تا پیش از این زمان، واحد تحلیل، جمله و کوچک‌تر از جمله بود. در سال ۱۹۵۲ زلیگ هریس<sup>۳</sup> زبان‌شناس ساختگرای آمریکایی، بررسی واحدهای بزرگتر از «جمله» را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامید. در دهه ۷۰-۱۹۶۰ کارکردگرایی و نقش‌گرایی در علوم انسانی ظهور پیدا کرد که نقش «بافت» در تولید زبان مطرح شد. زبان‌شناسی انتقادی در دهه ۸۰ و ۹۰ رشد قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و به تحلیل گفتمان انتقادی معروف شد. ون دایک<sup>۴</sup>، وداک<sup>۵</sup> و فرکلاف<sup>۶</sup> بنیان‌گذاران سه رویکرد عمده در تحلیل گفتمان انتقادی هستند. به این ترتیب، سیر تحول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی را می‌توان در قالب تحلیل گفتمان ساختگرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی خلاصه کرد. (ووفی، ۲۰۰۵: ۱۳۷-۱۳۹)<sup>۷</sup>

---

<sup>۱</sup> اگر هدف از تحلیل گفتمان، تبارشناسی یک گفتمان باشد، زمان فعال شدن یک گفتمان در یک منطقه جغرافیایی خاص و ورود آن به نظم گفتمانی سیاسی بررسی شده و لازم است که پیش از آن که چگونگی ورود یک گفتمان غیرسیاسی به نظم گفتمانی سیاسی مورد بحث قرار گرفته و نظم حاکم بر کلیه گفتمان‌های فعال در جامعه بررسی شود که اصطلاحاً از آن با واژه «حوزه گفتمان‌گویی field of discursivity» یاد می‌شود. حوزه گفتمان‌گویی اشاره به حوزه‌ای دارد که یک دال پیش از مفصل‌بندی شدن در یک گفتمان، در آن قرار دارد. این حوزه، فضای بدون ساختی است که در آن دال‌های بسیاری وجود دارند که احیاناً با یکدیگر ارتباطی ندارند. (نک به: سلطانی: ۱۳۸۳)

<sup>۲</sup> Christopher Hart and Dominik Lukeš

<sup>۳</sup> Zellig Harris

<sup>۴</sup> Teun van Dijk

<sup>۵</sup> Ruth Wodak

<sup>۶</sup> Norman Fairclough

<sup>۷</sup> Wooffitt

حوزه دوم: نوع دیگری از نگرش به گفتمان در حوزه فلسفه سیاسی به دست میشل فوکو<sup>۱</sup> در دهه ۶۰ پایه گذاری شد که بسیار متفاوت از نگرش‌های رایج به گفتمان در زبان‌شناسی است. بر اساس این نگرش، گفتمان کل حوزه اجتماع را در بر می‌گیرد و نظام‌های حقیقت<sup>۲</sup> را بر سوژه‌ها یا فاعلان اجتماعی تحمیل می‌کند. نظریه گفتمان ارنست لاکلا<sup>۳</sup> و شنتال موفه<sup>۴</sup>، در سال ۱۹۸۵ مطرح گردید و همان طور که این دو متفکر اظهار می‌دارند سابقه نظریه گفتمان به سه جریان فکری فلسفه تحلیلی، پدیدارشناسی و ساختارگرایی بر می‌گردد (لاکلا و موفه، ۲۰۰۱: XI) و رویکرد آن دو، در واقع بسط نظریه گفتمان فوکو در حوزه فلسفه سیاسی-اجتماعی است. اگرچه نقطه آغاز کار لاکلا و موفه مفهوم گفتمان فوکو بوده است، ولی آنها با به کارگیری نظریات متفکرانی چون سوسور<sup>۵</sup>، دریدا<sup>۶</sup>، رولان بارت<sup>۷</sup>، لاکان<sup>۸</sup>، گرامشی<sup>۹</sup> و آلتوسر<sup>۱۰</sup>، چشم انداز جدیدی در نظریه گفتمان را گشودند و از دو نوع ساختارگرایی - ساختارگرایی سوسوری و ساختارگرایی مارکسیستی - حرکت کرده و با بهره برداری و همچنین نقد آنها در نهایت به نظریه‌ای پساساخت‌گرایانه دست یافتند که مطابق آن کل حوزه اجتماع به مثابه نظامی تصور می‌شود که در آن معنا تولید و بازتولید می‌شود. با توجه به این که نظریه گفتمان لاکلا و موفه از کارآمدی بیشتری برخوردار بوده و از انسجام و قابلیت تبیین بسیار بیشتری برخوردار است در این پژوهش بیشتر مورد استفاده واقع شده است.

### ۱-۱-۳. تعریف گفتمان

گفتمان عبارت است از شناخت رابطه گزاره‌ها با یکدیگر، و نگریستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۷۹). بنا به تعریف دیوید هوارث، نظریه گفتمان با نقش معنادار رفتارها

---

<sup>۱</sup> Michel Foucault

<sup>۲</sup> Regimes of truth

<sup>۳</sup> Ernesto Laclau

<sup>۴</sup> Chantal Mouffe

<sup>۵</sup> Ferdinand de Saussure

<sup>۶</sup> Jacques Derrida

<sup>۷</sup> Roland Barthes

<sup>۸</sup> Jacques Lacan

<sup>۹</sup> Antonio Gramsci

<sup>۱۰</sup> Louis Pierre Althusser